



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۶/۱۶



دوديال

## هنر، زیبایی و رموزات هنر و زیبایی

### (قسمت دوم)

[دوشیزه بطروس ملالی عربها شد]

قسمت اول این مقاله بحث عمومی در مورد هنر و زیبایی بود؛ آنچه متأسفانه طی سالیان اخیر در کشور ما نه تنها فراموش است، بلکه ذوق عامه سقوط نموده و اگر چیزی هم بنام هنر به رُخ مردم کشیده میشود، بیشتر ابتذال است. درحالیکه احساس استه نیک و تکوین زیباشناختی و زیبادوستی نیاز به پرورش و پالش دارد. زیبایی شناسی تفکری در باره هنر است و اثر هنری عبارت از تخلیق هنرمندانه زیبا بوده که توسط یک گروه هنری پذیرفته شده باشد. آثار و تخلیقات هنری جز مهم فرهنگ انسانی است. شهرت و مقام شامخ بعضی آثار، آبدات، نقاشی ها، خطاطی و پارچه های موسیقی آنقدر معروف شده اند که حیثیت داشته های مشترک بشریت را تشکیل داده اند، مانند: سمفونی مونامی و قوی سپید، آثار مکیلانژ، برج ایفل... در همسایگی خود میتوانیم از منار قطب دردهلی، دروازه مسجدشاه در اصفهان و شهکار تاج محل یاد نمود که به شهر آگره و تمام نیم قاره ی هند شکوه و عظمت بخشیده است. در جهان این نقل قول معروف شده است که: "مردم دنیا به د و بخش تقسیم میشوند، یکی آنکه تاج محل را دیده اند و دیگر آنکه تاج محل را ندیده اند!" درین نقل قول معنی عمیقی نهفته است و آن اشاره به ابهت هنر است. میناتور سبک هرات کشورما، روضه ی مبارک، مسجد جامع هرات، قصر دارالامان، خطاطی و آثار عزیزالدین وکیلی فوق‌العاده و مرحوم حسینی، نمایشنامه های مرحوم استاد ببسد، پارچه های موسیقی چهار بیتل (چهار برادر)، موسیقی گروه لاله ها و آهنگهای احمدظاهر، استاد رحیم بخش، پارچه های موسیقی هارمونه ی استاد زاخیل، موسیقی استاد سراهنگ، ترانه های رحیم غمزده، مثنوی معنوی مولوی، اشعار خوشحالخان ختک، اثر ادبی (خانخانی بنامار) استاد مجروح، و غیره آثار ماندگار و زیبای هنری و ادبی اند که متأسفانه امروز مثال ان ایجادیات را نداریم.

همچنان در قسمت اول مقاله موضوع تعهد و پیغام در هنر مطرح شد. آثار هنری رسالت معین دارند. هنرمند متعهد پیام زنده گی ساز و نوید بخش را به جامعه میرساند. ارزش بعضی تخلیقات تا سطح اسطوره میرسد، مثلاً بعضی لندی های حماسی (که یک مثال آن: "که په مېوند کې شهید نه شوی - خدایرو لالیه بی ننگی ته دی ساتینه" شده میتواند). چنین آثار زیبا و عمیق هنری نقش موثر در زنده گی دسته جمعی داشته اند. تعدادی از اسطوره ها به قوت هنریت و تجسم زیبایی تجلی ارزشهای فوق العاده اند.

موسیقی نیز میتواند این نقش را به سررساند. مثالهای از ترانه های میهنی و حماسی دری و پشتو را داریم که مبین این ادعا اند. اما متأسفانه همان سان که طی سالیان اخیر به هنر و پرورش ذوق عامه کمتر توجه صورت گرفت، همانسان هم محتوای هنری ضعیف گردید. مثالهای از موسیقی بی مایه که محترم منگل، محترم نادری و طنز نویس طنز محترم سلام به آن اشاره نموده ارائه شد. خصوصاً نمایش کنسرتی که در خارج از کشور صورت گرفت و باعث عکس العلمهای در داخل کشور شد. با تأسف که درین (کنسرت) نه تنها پیام ورسالتی وجود نداشت، بلکه بدترین شکل ابتذال و توهین به فرهنگ ملی ما بود. در حالیکه مثالهای از آثار موسیقی در جوامع مختلف وجود دارد که دارای تمام اوصاف هنری و مورد پذیرش همگانی بوده، بر علاوه دارای پیغام سازنده اند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مثالی را از کشور اسلامی مصر می آوریم: نام و هنر ام گلثوم نه تنها در مصر و سایر کشورهای عربی، بلکه در اکثریت کشورهای جهان معروف است. درین اواخر در عرصه ی موسیقی عربی نام (جولیا بطروس / بتروس) لبنانی توجه مردم عرب و حتا جهان را بخود جلب و هیجان بی مانند آفرید. او در کنسرتی به اشتراک هزاران تن ملت عرب را بر علیه ظلم صهیون به مبارزه طلبید. او صدای ملت مظلوم فلسطین شد، لباس و حرکات او متین و سنگین، طرز ستیژ و کمپوز او خیلی عالی بود. او اشعار زیبا و انقلابی را انتخاب نموده است که ندای وجدان انسانیت، عدالت و آزادی خواهی است. اجرای این آهنگ زیبا، هنرمندانه و آبرومندانه بود. فکر میشود همین یک مثال نیز برای توضیح (ادای رسالت هنرمندانه) کافی است.

هنرمند محبوب و مشهور لبنانی جولیا بتروس ترانه های حماسی و ملی گرایانه مانند (وین المابین- کجا استید ای میلیون ها تن)، (الحق سلاحی- سلح حق من است)، ( احبانی... ) و چندین ترانه و آهنگ زیبا و رسالتمند را با لباس آبرومند و اکتھای زیبا و ژست های سنگین و مناسب با شان یک هنرمند باوقار و مبارز تقدیم علاقه مندان هنرش نمود. او نه هنر را مسخره کرد و نه روی ستیژ نیمه برهنه (رقصید!) او نه تنها صدای ملت مظلوم فلسطین شد، بلکه در روزهای جنگ ایران نیز خواند:

من را ببرید در خیابانهای تهران بخوانم- با ملت ایران سخن می گویم،

من را ببرید به میدان آزادی، تا تکبیر بگویم، من را ببرید به میدان انقلاب !

و برای میلیون ها عرب خواند:

عربیت را گمراه م منحرف نسازید !

کجا بید ای عربها که صهیون بالای زنان و اطفال حمله کرده...

احترام به کسانیکه با عزت قلبم را زنده کردند و او شهدای راه آزادی را ستود...

او از مبارزین ایران تمجید میکند و میگوید که پرچم شرف را ایران بلند کرد.

هدف از نوشتن این مثال ادای رسالت هنرمند در مقابل جامعه بود، در ضمن توجه به آفرینش آثاری زیبا و جاودان، نه آنکه باعث انزجار و تبصره ها گردد. اسطوره همین است خانم بتروس ملالی عربها شد. (ادامه دارد)